

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیّم
سال نهم (۱۳۹۸)، شماره بیستم

نقد قرآن محور نگاه سیره نویسان به غنیمت جویانه بودن جنگ بدر

محبوبه انتظاری^۱

مهدی مطیع^۲

چکیده

غزوه بدر کبری از مهم‌ترین غزوه‌های تاریخ اسلام است و ریشه‌یابی علل وقوع این رویداد پس از گذشت حدود یک و نیم هزاره از طلوع فجر اسلام، همچنان یکی از دغدغه‌های اصلی مورخان و اندیشمندان جهان اسلام است. سیره‌نویسان متقدم که نخستین شارحان غزوات پیامبرند، طراح اصلی این عملیات را شخص پیامبر اسلام می‌دانند. از نظر ایشان انگیزه سپاه اسلام از ورود به جنگ بدر، مصادره غنائم قابل توجه کاروان قریش بوده است. این در حالی است که آیات قرآن کریم که به مناسبت‌های مختلف، حوادث جنگ بدر را نقد و بررسی می‌کند، این عملیات را واکنش دفاعی سپاه اسلام در برابر رفتار ستیزه‌جویانه قریش دانسته و انگیزه آن را جهاد فی سبیل الله، غلبه حق بر باطل و رفع فتنه مشرکان برمی‌شمارد. این پژوهش در نظر دارد گزارش نخستین سیره‌نویسان از این رویداد را در برابر آیات مرتبط قرآن کریم قرار داده و بدین طریق خطاهایی را که ایشان در بازخوانی انگیزه جنگ بدر مرتکب شده‌اند، واکاوی و سپس نقادی کند.

واژگان کلیدی: آیات قرآن، غزوه بدر، جهاد فی سبیل الله، سیره‌نویسان، غنیمت.

۱. کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) /

m.entezari2211@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان / m.motia@ltr.ui.ac.ir

۱- مقدمه

یکی از دلایل وقوع جنگ نزد ملل ابتدایی، تصاحب غنائم و دارایی دیگر قبایل بوده است. اگرچه این عمل از لحاظ اخلاقی نکوهیده است اما در جوامعی که با فقر منابع طبیعی دست و پنجه نرم می‌کنند، غارتگری و چنگ انداختن به اموال دیگران به‌عنوان بخشی از قانون زندگی برای تأمین معاش و کاهش رنج‌های ناشی از کمبود غذا امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. شبه‌جزیره عربستان نیز که به لحاظ کشاورزی سرزمینی تهی دست و بی‌حاصل است تا پیش از ظهور اسلام، شاهد جنگ‌های متعدد قبایل بر سر آب و زمین و دارایی‌های اقوام مختلف بود و همین امر موجب گردید گروهی از مورخان غربی با استناد به نخستین منابع تاریخی مرتبط با غزوات پیامبر اسلام (ص) جنگ‌های عصر نزول را دنباله نظام جنگی عصر جاهلیت که همان راهزنی و کسب غنائم جنگی بود به شمار آورند و بدین‌جهت، حق‌طلبی و مبارزه با طاغوت را که بر اساس آیات قرآن والاترین انگیزه جهاد در اسلام است، با شبهات فراوان مواجه نمایند (آرمسترانگ، ۱۳۸۲، صص ۲۲۸-۲۲۷).

مستشرقان حادثه بدر را شاهی در اثبات منفعت‌جویی غزوات پیامبر (ص) دانسته و اندیشمندان جهان اسلام را با چالشی بزرگ درباره حقایق جنگ بدر که بنا به گزارش سیره نویسان، غنائم بسیاری نصیب سپاه اسلام نمود، مواجه ساختند. به دنبال این شرایط، برخی از محققان و متفکران مسلمان، تحلیل‌هایی درباره جنگ بدر ایراد نمودند و در توجیه انگیزه اقتصادی این غزوه، آن را به شرایط سخت معیشتی مسلمانان پس از هجرت به مدینه نسبت دادند که به دلیل ضبط اموال آن‌ها به دست مشرکان مکه برای ایشان به وجود آمده بود. آن‌ها چنین عنوان کردند که: «قصد پیامبر از حمله به کاروان‌های قریش و ضبط اموال آن‌ها، بازپس گیری اموال به تاراج رفته مسلمانان در شهر مکه بود که مسلمانان را در سال‌های آغازین هجرت با مشکلات عدیده‌ای مواجه نموده بود» (سبحانی، ۱۳۸۹، ج ۱، صص ۳۱۹-۳۱۱).

اینک پس از گذشت سال‌ها از طرح این شبهه در مسأله جنگ بدر، همچنان این سؤال به قوت خود باقی است که آیا به‌راستی آن‌گونه که در منابع تاریخ اسلام ذکر شده، این جنگ با هدف تصرف دارایی‌های کاروان قریش صورت گرفته یا انگیزه‌های دیگری در وقوع آن دخالت داشته و کسب غنیمت، معلول طبیعی جنگ بوده، نه علت و بهانه آن، که سیره‌نویسان مسلمان از آن غفلت کرده‌اند؟

۲- سیره نویسان نخستین

منابع برجای مانده از قرون نخستین می‌تواند در مطالعه سیره پیامبر (ص) و کشف ماهیت غزوات ایشان بسیار راهگشا باشد. از جمله این منابع می‌توان به سیره الرسول ابن اسحاق، سیره ابن هشام، مغازی واقدی و تاریخ طبری اشاره کرد. سیره ابن هشام و تاریخ طبری به نوبه خود تکمله‌هایی بر کتاب‌های ابن اسحاق و واقدی هستند و بسیاری از نقل‌های خود را به آن دو کتاب نسبت داده‌اند. ضمن اینکه سایر کتب سیره نیز در اصل، رونوشتی از دو کتاب سیره الرسول ابن اسحاق و مغازی واقدی هستند (رسولی محلاتی، ۱۳۹۱، ص ۴).

سیره ابن اسحاق اولین سیره نسبتاً جامعی است که به دلیل نظم منطقی موجود در آن به عنوان نخستین کار اصیل در زمینه سیره‌نویسی شناخته شده است (شهیدی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۸۳). این اثر آن گونه که اکثر مورخان اذعان دارند نخستین اثر برجای مانده از سیره پیامبر (ص) است که حدود قرن دو به دست محمد بن اسحاق در عهد منصور عباسی به رشته تحریر در آمد (جعفریان، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۰). در نسل‌های پیش از ابن اسحاق کوشش‌هایی از سوی برخی از محدثان در گردآوری سیره پیامبر (ص) وجود داشته است، اما از آنجاکه هیچ‌کدام کار خویش را آن گونه که ابن اسحاق سامان داد منظم نکردند چندان مورد توجه قرار نگرفتند و سیره ابن اسحاق به عنوان الگویی تمام‌عیار از طرف مورخان پذیرفته شد (همان، ج ۱، ص ۴۱).

حدود یک قرن بعد از آن، ابن هشام نسخه‌های پراکنده این اثر را گردآوری کرد و طبق گفته خودش بخش‌های کوتاهی به عنوان تکمله به آن کتاب افزود و به نام «سیره ابن هشام» به رشته تحریر درآورد (رسولی محلاتی، ۱۳۹۱، ص ۲۴). محمد بن عمر واقدی از مورخان دهه‌های پایانی قرن دوم است و تخصص ویژه او در مغازی و فتوحات و اخبار تاریخی است (شهیدی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۳۳). مغازی واقدی قدیمی‌ترین اثر در شرح غزوات پیامبر (ص) است که حدود قرن سوم به رشته تحریر درآمد. بدون شک وی مهم‌ترین مغازی‌نگار و پایه‌گذار این دانش در قرون نخستین به شمار می‌آید. واقدی با استفاده از تمامی منابع شفاهی و مکتوب، به تحقیق درباره مغازی رسول خدا (ص) پرداخته و با سفر به مناطق نبرد و نیز جمع‌آوری اطلاعاتی از نسب‌شناسان قبائل، دانسته‌های خود را تکمیل کرده است. کتاب او همواره مورد استناد و تأیید شیعه و سنی بوده است (همان، ج ۱، ص ۱۳۹). از ویژگی‌های این کتاب، ثبت آیات و سوره‌هایی است که در فضای غزوات بر پیامبر اکرم (ص) نازل می‌شد.

ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید طبری از مورخان نامی دوران اسلامی است. عمده فعالیت وی در حوزه فقه بوده اما دو اثر مشهور او یکی در دانش تفسیر به نام «جامع البیان» و دیگری در دانش تاریخ به نام «تاریخ الرسل و الامم و الملوک» شهرت بسزایی برایش به ارمغان آورده است (همان، ج ۱، ص ۳۹۴).

منابع گفته شده، مطابق سنت کتب تاریخی صرفاً به شرح جریان‌های عصر نزول اکتفا کرده و کمتر به قضاوت‌های شخصی درباره جریان‌ها و حوادث اقدام نموده‌اند؛ باین حال در هر سه کتاب و به تبعیت از آن‌ها دیگر کتب سیره و مغازی، جمع‌آوری غنیمت و رفع نیازمندی‌های اقتصادی مسلمانان به‌عنوان انگیزه‌ای قدرتمند برای جنگ با کفار قریش همواره با رنگ و لعاب بیشتری به نمایش گذاشته شده است. این موضوع به‌ویژه درباره غزوات و سریه‌هایی که در دو سال اول پس از هجرت اتفاق افتاده مشهودتر است.

۳- گزارش سیره‌نویسان درباره انگیزه جنگ بدر

نخستین برخورد جدی مسلمانان با قریش در روز جمعه، هفدهم رمضان سال دوم هجری در منطقه بدر روی داد؛ حادثه‌ای که باید آن را از بزرگ‌ترین رویدادهای صدر اسلام دانست (شهیدی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۲۱۴).

در میان منابع تاریخی مسلمانان، جنگ بدر از جمله غزواتی است که سیره‌نویسان با تفصیل بسیاری شرح ماجرای آن را بیان داشته‌اند. مستشرقان یکی از انگیزه‌های غزوات پیامبر را کسب غنیمت می‌دانند و جنگ بدر را برای اثبات مدعای خود شاهد می‌آورند. البته آن‌ها نیز این رأی را از کتب سیره مسلمانان اخذ کرده‌اند، زیرا آنچه این کتب در شرح ماجرای بدر گزارش کرده‌اند جز اثبات مدعای مستشرقان چیزی به مخاطب ارائه نمی‌کند.

ابن اسحاق درباره انگیزه جنگ بدر می‌گوید: «حکایت جنگ بدر چنان است که خیر به مدینه آوردند که ابوسفیان بن حرب با قافله قریش از جانب شام به سمت حجاز گذر می‌کند و خلقی عظیم و مالی بسیار با وی است» (ابن اسحاق، ۱۳۷۳، ص ۲۶۷). او در ادامه می‌افزاید: «چون خبر به سید (پیامبر) آوردند مهاجر و انصار را بخواند و با ایشان مشورت کرد و تحریض ایشان کرد و گفت: ای اصحاب من، وقت آن است که کمان رجولیت در بازو افکنید و از بهر کفار میان چست در بندید و می‌کشید تا آن گهی که حق تعالی داد اسلام از اهل شرک بستاند و نصرت دین حق بدهد و اینک ابوسفیان بن حرب که سرِ مشرکان است با قبیله قریش می‌گذرد و مالی

بسیار و عزت بی‌شمار با وی است، بیایید تا به غزوه وی و قافله‌ای که با وی اندرند رویم اما یا ظفر و غنیمت یا غزوه و شهادت» (همان‌جا).

واقدی انگیزه اصحاب پیامبر از ورود به جنگ با قریش را صرفاً کسب غنائم کاروان دانسته و می‌گوید: «بسیاری از اصحاب در این جنگ شرکت نکردند چون هدف، جنگ با کاروان قریش نبود بلکه مقصود سپاهیان، اموال کاروان قریش بود» (واقدی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۵). همو معتقد است از آنجاکه قریش اموال مسلمانان را در مکه مصادره کرده بود رسول خدا هم با مصادره اموال کاروان تجاری قریش، آن‌ها را مجبور به بازگرداندن اموال مسلمانان نمود و ضربه سنگینی به قدرت اقتصادی آنان وارد ساخت (همان، ص ۷۲).

طبری می‌نویسد: «وقتی پیامبر (ص) باخبر شد که ابوسفیان با کاروان قریش از شام می‌آید به یاران خود از مال فراوان و تعداد کم مردان آن سخن گفت» (طبری، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۵۸). او از قول ابن عباس نیز چنین نقل می‌کند: «وقتی خبر حرکت کاروان قریش به پیامبر (ص) رسید به یاران خود گفت: این کاروان قریش است که اموالشان را همراه دارد. بروید شاید خدا آن را غنیمت شما کند» (همان، ص ۵۹). طبری علاوه بر این مسأله، موضوع کشته شدن عمرو بن خضرمی، تاجری از اهالی مکه را هم به‌عنوان دلیل دیگر مسأله بدان می‌افزاید (همان، ص ۹۱). به تبعیت از سه مورخ مذکور، ابن خلدون در تاریخ خود اموال فراوان قریش را یاد می‌کند و می‌گوید: «پیامبر اصحاب خود را به‌سوی آن می‌خواند» (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۱۰) در این میان، گزارش جلال‌الدین فارسی با اغراق بیشتری همراه است. او چنین می‌نویسد: «کاروان قریش سرمایه‌های کلان گرد آورده بود و هیچ مرد و زنی در قبیله قریش نبود مگر آنکه مبلغی کم یا زیاد همراه کاروان کرده باشد. می‌گویند اموال آن به ۵۰ هزار دینار می‌رسید. از این رو پیامبر تنی چند از یارانش را برای خبرگیری از حرکت کاروان اعزام نمود و خود و دیگر یارانش برای تعرض به کاروان بسیج شدند» (فارسی، ۱۳۶۲، صص ۸۹-۹۰).

از میان دیگر گزارش‌ها گزارش یعقوبی و ابن اثیر نیز مشابه و مؤید گزارش‌های پیشین است (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۹/ ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۹۶۵)؛ زیرا آن‌ها نیز در گزارش‌های خود اغلب به روایات ابن اسحاق و واقدی استناد و اعتماد کرده‌اند. طبعاً درباره انگیزه پیامبر (ص) در غزوه بدر، چیزی بیشتر از آنچه در روایت آن‌هاست، ذکر نکرده‌اند.

۴- گزارش‌های قرآن کریم درباره انگیزه جنگ بدر

قرآن کریم درباره چند رخداد مهم، به‌طور ویژه به نقل وقایع و تحلیل آن‌ها پرداخته است. واقعه بدر در شمار این رخدادهای و شاید از برجسته‌ترین آن‌ها باشد. بخش عمده آیات سوره انفال درباره تحلیل وقایع این رویداد و بررسی جنبه‌های فقهی، تربیتی آن نازل شده است (شهیدی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۲۲۵۸). بر اساس تصریح قرآن کریم آیات ۱۲۳ تا ۱۲۷ سوره آل عمران، بنا به نظر بسیاری از مفسران (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۲۹/آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۹۳/طنطاوی، بی تا، ج ۲، ص ۴۲) آیه ۱۳ سوره آل عمران، بنا به نظر صاحب مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۱۲۵) و برخی مفسران (همان‌جا/ دروزه، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۱۷۲/ ذکاوتی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۸۱) آیات ۷۷ و ۷۸ سوره نساء و بنا بر نظر علامه طباطبایی (۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۴۲) و دیگر مفسران (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۴۱/ دروزه، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۱۲۵) آیه ۱۲ سوره آل عمران، در ارتباط با جنگ بدر نازل شده است. با این حال عمده آیات مرتبط با جنگ بدر در سوره انفال قرار دارد، زیرا این سوره در سال دوم هجری و پس از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر بر پیامبر اکرم نازل شد و در ضمن آن، رخدادهای جنگ و حوادثی که به وقوع این پیروزی سرنوشت‌ساز انجامید، یادآوری می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۱۹).

آیات مرتبط با جنگ بدر در سوره انفال به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. آیات اول تا چهارم به بیان حکم خداوند درباره انفال و وظایف مؤمنان و ویژگی‌های آنان اختصاص دارد و به آنان یادآور می‌شود که «با پیروزی در جنگ بدر» از مسیر تقوا و توحید و اطاعت پیامبر (ص) خارج نشده و با یکدیگر سازش نمایند.

۲. آیات پنجم تا هشتم به شرح ماجرای خروج پیامبر (ص) به امر خداوند از مدینه و آماده شدن ایشان برای جنگ با کفار قریش، اشاره می‌کند. این آیات اذعان می‌دارد که بسیاری از مؤمنان به خاطر ترس از مرگ و احساس ناتوانی در برابر لشکریان دشمن دچار دودلی و ترس شده بودند و ترجیح می‌دادند که یا اصلاً وارد جنگ نشوند یا دست‌کم به‌جای جنگ با لشکریان قریش به کاروان تجارتنی آن‌ها یورش برند اما خداوند زمینه‌ای فراهم کرد تا جنگ بدر که نقطه عطفی در پیروزی‌های بعدی مسلمانان به شمار می‌رفت، صورت گیرد و پیروزی آنان منجر به تقویت حق و قطع ریشه کافران شود.

۳. آیات نهم تا چهاردهم امدادهای الهی این غزوه را شرح می‌دهد. اولین امداد خداوند زمانی آشکار شد که به سبب کثرت نفرات دشمن و فزونی تجهیزات آنان، عرصه بر مؤمنان تنگ شده بود و پیامبر (ص) و یارانش از خداوند تقاضای کمک کردند. در این هنگام خداوند فرشتگان را

به کمک مؤمنان فرستاد و با نزول فرشتگان آرامش و اطمینان به اردوگاه مسلمانان بازگشت و رعب و وحشت سراپای کافران را فراگرفت (نیز نک. آل عمران: ۳/ ۱۲۳-۱۲۶). باران رحمت خداوند که به صورت غیرمنتظره باریدن گرفت، امداد غیبی دوم بود که موجب شد مسلمانان به آب دسترسی پیدا کرده، سیراب و طاهر شوند. دیگر امداد غیبی این بود که در آن شب بحرانی، بسیاری از آن‌ها را خواب فراگرفت. آن خواب آرامش‌دهنده یکی دیگر از نعمت‌های خداوند متعال به اهل ایمان بود و به آنان قدرت و توانی دوباره بخشید (واقعی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۱).

۴. دسته دیگر آیات سوره انفال که منظور نظر این پژوهش است درباره چرایی وقوع جنگ

بدر سخن می‌گوید. این دسته از آیات به شرح ذیل است:

﴿وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ * لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ﴾ (انفال: ۸/ ۷-۸). بنا بر نظر تفاسیر (طبری، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۱۲۳/ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۱۶۶/ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۴۵۸) خداوند در این آیات، هدف جنگ بدر را تثبیت حق و قطع ریشه کفر می‌داند، هرچند که عده‌ای از مسلمانان، جنگ سبک‌تر و تلفات کمتر را ترجیح می‌دادند اما با توجه به اخلاص‌هایی که مشرکان در امور مسلمانان وارد می‌کردند، لازم بود که سپاه اسلام برای اولین بار قدرت خود را نشان داده و زهرچشمی از آن‌ها بگیرد. به همین دلیل خداوند اراده کرده بود که مسلمانان به مقابله و جنگ با مشرکان پردازند و دین اسلام با پیروزی حق بر باطل جایگاه خود را بیش‌ازپیش تثبیت نماید.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (انفال: ۸/ ۱۳). بنا بر نظر تفاسیر (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۸۱/ زمخشری، ۱۴۷۰، ج ۲، ص ۲۰۱/ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۴۰۴) این آیه انگیزه جنگ بدر را دشمنی و مخالفت مشرکان با خدا و رسول می‌داند و تأکید می‌کند که سزای آن کسی که با خدا و رسول او دشمنی ورزد، ناگزیر شکست و نابودی است. علامه طباطبایی درباره این آیه معتقد است مسائلی که برای کفار در جنگ بدر پیش آمد، نتیجه مخالفت آن‌ها با خدا و رسول خدا (ص) بود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۱۹).

﴿... إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيَنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ * لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (انفال: ۸/ ۳۶-۳۷). طبق دیدگاه تفاسیر (طبری، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۱۵۹/ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۹۱/ قطب، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۵۰۶/ قرشی،

۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۳۱) این آیات به احوال مشرکانی دلالت دارد که پیش از حادثه بدر اموال خود را در جهت سد راه خداوند انفاق کرده و به نوعی به جنگی تبلیغاتی در جهت ممانعت از گسترش اسلام اقدام نمودند. خداوند به افراد مورد خطاب هشدار می‌دهد که به زودی اموالشان تباہ خواهد شد و آن‌ها حاصلی از تلاش‌های خود به دست نخواهند آورد.

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ انْتِهَاءَ مَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾
(انفال: ۸/ ۳۹) از نظرگاه تفاسیر (شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۵۰/ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۹۶/ طنطاوی، بی تا، ج ۶، ص ۹۴) این آیات دفع فتنه مشرکان و جایگزینی کامل دین حق در عوض باطل را هدف و انگیزه جنگ بدر می‌داند. توضیح اینکه فتنه در قرآن کریم به معنی شرک و بت‌پرستی است که انواع محدودیت‌ها و فشارها را برای جامعه دربردارد. همچنین به فشارهایی که از ناحیه دشمنان برای جلوگیری از گسترش دعوت اسلام و به منظور خاموش کردن ندای حق‌طلبان و حتی بازگرداندن مؤمنان به سوی کفر به عمل می‌آید، فتنه اطلاق شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۱۶۵). بر اساس سیاق آیات ۳۵ تا ۳۹ سوره انفال، آیه فوق‌الذکر حامل هر دو معنا است.

همان‌طور که مشهود است هیچ‌یک از آیات پیشین اشاره‌ای به منافع اقتصادی حضور در جنگ بدر و فراوانی اموال کاروان قریش ندارد. این آیات با بیان اهداف واقعی جنگ بدر، زوایایی از آن را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد که در گزارش سیره‌نویسان، نشانه‌ای از آن وجود ندارد و نمونه‌ای از آن دیده نمی‌شود. این اهداف عبارت‌اند از: جهاد با تفرقه‌افکنان و فتنه‌گران طایفه قریش، جهاد با دشمنان خدا و پیامبر، جهاد برای قطع ریشه کفر.

۵- تفاوت رویکرد سیره‌نویسان درباره انگیزه جنگ بدر با آیات قرآن

آنچه در گزارش‌های سیره‌نویسان درباره جنگ بدر ذکر شده، در برخی جهات هم‌راستا با آیات قرآن و در برخی جهات، آشکارا با گزارش‌های قرآن در تعارض است. ابن اسحاق در ابتدای گزارش خود از ماجرای بدر می‌نویسد: «چون خبر به سید (پیامبر) آوردند، مهاجر و انصار را بخواند و با ایشان مشورت کرد و تحریض ایشان کرد و گفت: ای اصحاب من، وقت آن است که کمان رجولیت در بازو افکنید و از بهر کفار میان چست در بندید و می‌کوشید تا آن گهی که حق تعالی داد اسلام از اهل شرک بستاند و نصرت دین حق بدهد و اینک ابوسفیان بن حرب که سر مشرکان است با قبیله قریش می‌گذرد و مالی بسیار و عزت

بی‌شمار با وی است، بیایید تا به غزوه وی و قافله‌ای که با وی اندرند رویم اما یا ظفر و غنیمت یا غزوه و شهادت» (ابن اسحاق، ۱۳۷۳، ص ۲۶۷).

با تأمل در گزارش ابن اسحاق می‌توان این روایت را به دو بخش مجزا تقسیم نمود: در بخش اول روایت، پیامبر اکرم (ص) اصحاب خود را به جهاد با مشرکان، نصرت دین حق و بازستاندن داد اسلام از اهل شرک تحریض می‌کند و در بخش دوم، پیامبر (ص) اصحاب خود را از اموال فراوان کاروان باخبر می‌کند و به آن‌ها بشارت می‌دهد که سرانجام یکی از دو پیروزی از آن سپاه اسلام خواهد بود یعنی یا صاحب غنائم قریش می‌شوند و یا غنائم را از دست داده و شهادت نصیبشان خواهد شد.

همان‌طور که مشهود است این گزارش از جهتی در راستای گزارش قرآن از شرح ماجرای بدر است و از جهتی در تعارض با آن. قسمت اول روایت، مشابه و مؤید آیات ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (انفال: ۸/۱۳) و ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ انْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (انفال: ۸/۳۹) است و با آیات شریفه تعارضی ندارد. حتی اگر این قسمت از خطبه پیامبر (ص) در برابر مستندات تاریخی هم قرار گیرد، روشن می‌شود که سپاه اسلام چاره‌ای جز مقابله با مشرکان نداشتند، چراکه قریش مخالفان لجوجی بودند که سال‌های طولانی، راه نشر و توسعه دین اسلام را بر پیامبر اکرم مسدود کرده و پس از هجرت مسلمانان به مدینه ضمن ادامه کارشکنی‌های قبلی، ورود مسلمانان را به شهر مکه تحریم نمودند و با جلوگیری از انجام مناسک حج سعی در تحقیر و استخفاف پیامبر (ص) و پیروان دین اسلام داشتند (هیکل، ۱۳۷۵، ص ۳۳۸).

در بخش دوم روایت، ابن اسحاق سخن دیگری از قول پیامبر (ص) نقل می‌کند که گرچه مفسر بخش نخست روایت است اما به لحاظ محتوا با آیات قرآن کریم در تعارض قرار دارد، چراکه بر اساس آنچه نویسنده در ادامه روایت ذکر می‌کند، پیامبر (ص) پس از دعوت اولیه سپاه خود برای جهاد با مشرکان، آن‌ها را به اموال بسیار و عزت بی‌شمار کاروان قریش نوید داده و مخاطب را به این پندار می‌اندازد که منظور پیامبر (ص) از نصرت دین حق، نصرتی است که با تاراج اموال قریش به دست می‌آید و منظور از دادستانی سپاه اسلام از سپاهیان قریش، از بین بردن عزت خیره‌کننده‌ای است که ظاهراً در میان اموال فراوان قریش جای گرفته بوده است؛ بنابراین آنچه از قسمت دوم روایت به مخاطب القا می‌شود این است که در دعوت پیامبر اسلام از سپاهیان خود برای جهاد با مشرکان، نه جهاد معنای دفاع از حق مسلمانان و آزادی آن‌ها در

انتخاب شریعت اسلام را می‌دهد، نه دادستانی از قریش، معنای مقابله با مانعان گسترش اسلام دارد و نه حتی شهادتی که پیامبر (ص) وعده آن را می‌دهد، معنای جهاد فی سبیل الله را در ذهن مخاطب تداعی می‌کند بلکه بر اساس این روایت، نهایت چیزی که پیامبر (ص) یاران خود را به آن بشارت داده، اموال بسیاری بوده که در کاروان قریش جمع‌آوری شده بود.

تعارض دیگری که در گزارش سیره‌نویسان وجود دارد مربوط به شاکیان و غایبان جنگ بدر است. هم در قرآن کریم و هم در گزارش سیره‌نویسان، به شرح حال گروهی از اصحاب سپاه اسلام اشاره شده که از شرکت در جنگ ناراضی بوده و یا از همراهی با سپاه اسلام خودداری ورزیدند. به‌عنوان مثال آیه ۷۷ سوره نساء درباره این افراد بیان می‌دارد: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظَلِّمُونَ فَتِيلًا﴾ (نساء: ۷۷/۴).

عده زیادی از مفسران، نزول این آیه را در شأن گروهی از اصحاب بدر می‌دانند که از شرکت در جنگ ابا داشته و از این‌رو زبان به جرح و شکایت گشودند که چرا خداوند، اجل آن‌ها را تا وقت مقدر در کارنامه زندگی‌شان به تأخیر نینداخته و با صدور فرمان جنگ آن‌ها را در معرض مرگ زود هنگام قرار داد؟

صاحب مجمع درباره شأن نزول آیه به نقل از کلبی می‌نویسد: «این آیه درباره عبدالرحمن بن عوف زهری و مقداد بن اسود کندی و قدامة بن مظعون جمحی و سعد بن ابی وقاص نازل شد که از مشرکان مکه، پیش از مهاجرت، آزاری شدید می‌دیدند و به پیامبر گرامی اسلام شکایت می‌کردند و از آن بزرگوار اجازه جنگ می‌خواستند تا انتقام آزارهای مشرکان را بگیرند ولی همین‌که فرمان «بدر» صادر شد، اجرای این فرمان برای برخی از آنان ناگوار آمد، از این‌رو آیه نازل شد» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۱۴۳).

فخر رازی درباره شأن نزول آیه معتقد است: «قبل از هجرت عده‌ای از مسلمانان نزد پیامبر آمدند و از آزار و شکنجه‌ای که بر مسلمانان روا می‌شد، شکایت کردند. ایشان از پیامبر (ص) درخواست نمودند که به آن‌ها اذن جهاد دهد. پیامبر (ص) در آن موقعیت با این درخواست مخالفت کرد و به آن‌ها توصیه نمود که در حال حاضر به دیگر واجبات دین خود یعنی نماز و زکات مشغول باشند اما پس از هجرت و به هنگام جنگ بدر که پیامبر (ص) آن‌ها را به قتال با

مشركان دعوت نمود، كراهت ورزیدند و سپس خداوند این آیه را نازل نمود» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۴۶۴).

دروزه نزول آیه ۷۷ سوره نساء را درباره شرایط قبل و بعد از هجرت و در هنگام وقوع جنگ بدر می‌داند، گرچه او هم احتمال نزول آیه در شأن جنگ احد را منتفی نمی‌داند (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۷۳). علامه طباطبایی با استناد به سیاق آیات قبل، مدعای گروهی را که معتقدند این آیه در شأن قوم یهود است و جزع‌کنندگان از یهودیان مدینه بودند، رد کرده و مخاطب این آیات را خود مسلمانان می‌داند. وی بر این اعتقاد است که گروهی که زبان به گله و شکایت گشودند منافقان سپاه اسلام بودند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۸).

آیات بعدی از سوره انفال همانند آیه ۷۷ سوره نساء، احوال مسلمانانی را شرح می‌دهد که از دعوت شدن برای شرکت در جنگ گلایه داشتند: ﴿كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ * يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ﴾ (انفال: ۸/ ۵-۶).

بر اساس سیاق آیات و اتفاق نظر مفسران، آیات مذکور در شأن دسته‌ای از منافقان جنگ بدر است که نسبت به صدور حکم جهاد از سوی خداوند سر به نارضایتی گذاشته و کراهت می‌ورزیدند. برخی از مفسران این آیات را در شأن یهودیان مدینه می‌دانند اما اکثر ایشان و از جمله علامه طباطبایی اذعان دارند که بر اساس سیاق آیات قبل، مخاطب این آیات نیز خود مسلمانان و البته منافقان سپاه اسلام‌اند. از میان متقدمان، طبری می‌نویسد: «این آیه و آیات قبل آن درباره حادثه بدر است» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۱۲۲). قرطبی هم به این موضوع تأکید دارد و این آیه را مرتبط با جنگ بدر می‌داند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۳۶۸). علامه طباطبایی هم احتمال نزول این آیه در شأن جنگ بدر را رد نکرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۱۱).

حال می‌توان گزارش قرآن کریم درباره شاکیان جنگ بدر را که در این دو آیه وصف آنان آمده در مقابل گزارش سیره‌نویسان درباره غایبان این ماجرا قرار داد و این دو گزارش را با هم مقایسه نمود. واقعی درباره گروهی که از شرکت در جنگ انصراف دادند می‌گوید: «گروه زیادی هم از اصحاب چون با خروج پیامبر (ص) موافق نبودند همراه او بیرون نرفتند و در این مورد اختلافات و سخن زیاد است ولی هر کس که بیرون نرفته است سرزنش نمی‌شود، چراکه مسلمانان برای جنگ بیرون نرفتند بلکه مقصودشان تصاحب اموال کاروان تجاری قریش بود» (واقعی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۵).

جلال‌الدین فارسی می‌نویسد: «عده بسیاری از مسلمانان هم علاقه‌ای برای سفر نشان ندادند و در میانشان اختلاف نظر پیش آمد و سخنان بسیاری گفته شد اما آن‌ها که از شهر خارج نشدند مورد سرزنش قرار نگرفتند؛ چراکه سپاه نه به قصد جهاد بلکه به قصد کاروان قریش از شهر خارج شدند.» (فارسی، ۱۳۶۲، ص ۸۹)

ناگفته پیداست که آیه ۷۷ سوره نساء و آیات ۵ و ۶ سوره انفال بدین نکته اذعان دارند که برخی از مسلمانان به خاطر حب دنیا و ترس از مرگ از حضور در جنگ بدر سرباز می‌زدند و وقتی که خداوند جنگ را بر آنان فرض نمود، لب به شکایت گشودند که چرا جنگ بر ما واجب شده و چرا خداوند، اجل ما را تا مدت معین به تأخیر نینداخت اما تحلیل گزارشگران کاملاً در نقطه مقابل آیات قرآن کریم قرار دارد، چراکه واقدی و فارسی، بی‌قیدی و عدم تعلق خاطر به اموال کاروان قریش را دلیل همراهی نکردن این گروه با پیامبر (ص) و سپاه اسلام می‌شمارند و تحلیلشان این است که اساساً جهادی در کار نبوده تا شرکت در آن بر کسی واجب باشد بلکه صرفاً کاروانی بوده و مال‌التجاره‌ای فراوان که هر کس شهامت بیشتری داشت، می‌توانست با جان خود معامله کرده و اموال بیشتری به تصرف خود درآورد و بنابراین آن‌ها هم که همراهی سپاه را نکردند، مورد طعن و سرزنش دیگران قرار نگرفتند.

۶- کشف مفهوم قتال فی سبیل الله، راهکار رمزگشایی از ماجرای بدر

یکی از آیات مرتبط با واقعه بدر، آیه ۱۳ سوره آل عمران است. در این آیه شریفه وصف دو گروه آمده است که یکی در راه خدا و دیگری برای کفر شمشیر می‌زدند:

﴿قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَتِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا ثَمَاتِلٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَآخَرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَهُمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾ (آل عمران: ۱۳/۳): نشانه و آیتی (از لطف خدا) برای شما در این بود که چون دو گروه با یکدیگر روبرو شدند (در جنگ بدر) گروهی در راه خدا جهاد می‌کردند و گروه دیگر کافر بودند و گروه کافر، مؤمنان را دو برابر به چشم خود می‌دیدند و خدا توانایی و یاری دهد به هر که خواهد، و بدین آیت الهی اهل بصیرت عبرت جویند.

عده زیادی از مفسران، نزول این آیه را به ماجرای بدر نسبت می‌دهند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۱۶۰ / زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۴۱ / طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۲۵۲ / طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۴۳ / دروزه، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۱۲۵). علامه طباطبایی درباره این آیه می‌فرماید: «این آیه بدان جهت که داستان رزم بین دو گروه را ذکر می‌کند و خاطر نشان می‌سازد که خدا گروهی را که

در راه او قتال می‌کردند، یاری فرمود (گو اینکه نام صاحبان قصه را نبرده) قابل انطباق با واقعه بدر است و سوره مورد بحث هم بعد از واقعه بدر نازل شده است. از این هم که بگذریم ظاهر آیه این است که این داستان برای مخاطبان معلوم بوده است. آنان واقعه را به یاد داشته‌اند، چراکه می‌فرماید: ﴿قَدْ كَانَ لَكُمْ﴾، که تقریباً معنایش این است: «مگر یادتان نیست که چنین و چنان شد؟» از طرف دیگر قرآن کریم به جز در داستان جنگ بدر در هیچ واقعه‌ای مسأله تصرف خدا در چشم جنگجویان را ذکر نکرده است. «(طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۳۰) علامه در اثبات این مدعا می‌افزاید: «آنچه قرآن کریم درباره قصه بدر آورده، در آیه زیر است که می‌فرماید: ﴿وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّيِّمَةِ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّكُمُ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾ (انفال: ۸/ ۴۴)» (همان، ج ۹، ص ۹۳).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود ظاهر آیه مورد بحث درباره چرایی وقوع جنگ بدر ساکت است، زیرا عبارت ﴿تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ که وصف حال سپاه اسلام است، عبارتی کلی است که از ظاهر آن دلیلی برای فهم عوامل وقوع غزوه بدر به دست نمی‌آید و بنابراین به نظر می‌رسد راز دسترسی به جواب این سؤال که چه انگیزه‌ای سپاه اسلام را در جنگ بدر ناگزیر از صف‌آرایی در برابر سپاه کفر نمود، رمزگشایی از مفهوم عبارت ﴿تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ در آیه مورد بحث است تا معلوم شود آیا به‌راستی آن‌طور که سیره‌نویسان اذعان می‌دارند سپاه اسلام به امید تصاحب اموال کاروان قریش روبروی آن‌ها قرار گرفت یا اینکه کسب غنائم نه عامل اولیه بلکه نتیجه و دستاورد پیروزی سپاه اسلام بوده است؟ برای دسترسی به معنای عبارت مورد نظر، لازم است دیگر آیات قرآن کریم را که حاوی این عبارت هستند بررسی کرده و با دسترسی به معنای عبارت مذکور در دیگر سوره قرآن کریم و بررسی سیاق آیات حامل این معنا بتوان خطایی را که سیره‌نویسان در بیان انگیزه جنگ بدر مرتکب شده‌اند، آشکار نمود.

ترکیب ﴿فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ همواره با سه واژه جهاد، قتال و انفاق در قرآن کریم هم‌نشینی دارد. این پژوهش بر اساس هدف خود، انگیزه جنگ بدر را از طریق بررسی هم‌نشینی این ترکیب با واژه‌های جهاد و قتال در آیات حامل این عبارت و بر اساس خلاصه نظر مفسران درباره سیاق آیات مورد بحث، بررسی خواهد نمود. آیات و خلاصه تفاسیر به قرار زیر است:

الف) ﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ (بقره: ۱۹۰). جهاد در مقابل فتنه‌گرانی که آغازکننده جنگ علیه مسلمانان بوده و پیش‌تر آن‌ها را از سرزمین خود اخراج کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۱۰ / قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۴۷)

طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۶۰). ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (بقره: ۲/۲۱۸). جهاد در مقابل بازدارندگان مردم از راه خدا، اخراج کنندگان مسلمانان از مسجدالحرام و جهاد در مقابل مشرکانی که به یگانگی خداوند کفر ورزیده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۳۹۴/قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۵۰/قطب، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۲۲۸). این مطلب از سیاق آیه فوق و آیه قبل از آن (بقره: ۲/۲۱۷) به دست می‌آید.

ب) ﴿وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ (آل عمران: ۱۵۷/۳). جنگ با کافرانی که مؤمنان را در جهت بازگشت به کفر تشویق می‌کنند. این معنا را می‌توان از سیاق آیات ۱۴۱ تا ۱۵۷ سوره آل عمران به دست آورد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۳۲۷/طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۹۴).

ج) ﴿وَلْيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ (آل عمران: ۳/۱۶۷). صدور فرمان جهاد از سوی خداوند برای آزمودن دل‌های مؤمنان راستین و افشای چهره منافقان مصلحت‌جو در برابر مؤمنان مخلص (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۱۱/فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۲۲).

د) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (مائده: ۵۴/۵). رسوایی منافقان و جهاد با کافرانی که دین حق را به تمسخر می‌گیرند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۳۷۹/دروازه، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۱۵۹).

ه) ﴿فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فُتِلَ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا... فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلِّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحِرْضَ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكْفِ بِأَسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا﴾ (نساء: ۷۴-۸۴). تفکیک چهره مؤمنان حقیقی از منافقان مسلمان‌نما و یاری مؤمنان گرفتار در یوغ کفار مکه

(طبری، ۱۴۱۲، ج ۵، صص ۲۸۱-۲۷۹ / طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۲۷۰ / فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰، صص ۱۴۸-۱۴۱ / طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، صص ۴۲۵-۴۱۹).

(و) ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَ إِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ... وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ (انفال: ۸ / ۷۲-۷۴). امتحان مؤمنان در نحوه اطاعت از امر خداوند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۳۶ / طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۲۷۰ / طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۱۴۱).
 (ز) ﴿فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثْخَتْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَإِمَّا مَنَّا بَعْدُ وَ إِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَآتَتْصِرَ مِنْهُمْ وَ لَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾ (محمد: ۴ / ۴۷). جهاد با کافرانی که راه خدا را بر خلق می‌بندند. این معنا در سیاق آیات ۱ تا ۴ سوره قرار دارد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۳، ص ۴۱ / فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۸، ص ۳۶).

(ح) ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ (حجرات: ۱۵ / ۴۹). اثبات چهره مؤمنان حقیقی در پیروی از فرمان خداوند و پیامبر اکرم (ص). این معنا را می‌توان در آیات ۱۱ صف و ۲۰ مزمل که عبارت ﴿فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ در آنها وجود دارد نیز مشاهده نمود (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۳، ص ۲۲۹ / طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۳۲۹ / دروزه، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۵۲۶).

گرچه آیات ۱۹ و ۲۰ سوره توبه، جهاد فی سبیل الله را افضل از خدمت به حجاج بیت الله الحرام دانسته است (شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۲، صص ۳۹۶-۳۹۳) اما آیات ۲۴ تا ۴۱ و ۸۱ تا ۱۱۱ این سوره به اتفاق مفسران (قطب، ۱۴۱۴، ج ۳، صص ۱۷۱۴-۱۶۸۳ / طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، صص ۲۸۴-۲۰۸ / دروزه، ۱۳۸۳، ج ۴، صص ۲۴۴-۲۰۷) در شأن جنگ بدر نازل شده و رسوایی منافقان سپاه اسلام، علت صدور حکم جهاد از سوی خداوند بر مسلمانان بوده است.

از بررسی هم‌نشینی عبارت ﴿فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ با واژه‌های قتال یا جهاد، معانی ذیل حاصل می

شود:

۱. رسوایی منافقان سپاه اسلام و تثبیت چهره مسلمانان حقیقی و مخلص سپاه پیامبر (ص) در آغازین سال‌های شکل‌گیری حکومت اسلام.
 ۲. جهاد با مانعان تبلیغ دین اسلام و مخالفان ترویج دین توحید.
 ۳. جهاد با عاملان ایجاد جنگ سرد در آغازین سال هجرت مسلمانان به مدینه.
- بنابراین با توجه به آیه ۱۳ سوره آل عمران و با در نظر داشتن مفهوم عبارت «قتال فی سبیل الله» در آیه مورد بحث می‌توان انگیزه مسلمانان از جهاد با مشرکان در جنگ بدر را به شرایط سیاسی ویژه‌ای نسبت داد که در دو برهه زمانی به دست کفار برایشان رقم خورده بود. بخشی از آن، واکنش مسلمانان در برخورد با مشرکان قریش و ایجاد وضعیت جنگ سرد در کانون دین اسلام یعنی شهر مدینه است. مشرکان با این کار خود درصدد ایجاد خلل در وحدت معنوی جمعیت مسلمانان بودند. بخش دیگر به شرایط سختی بازمی‌گردد که مشرکان در سال‌های حضور مسلمانان در مکه به آن‌ها تحمیل کرده، در نهایت نیز آنان را از شهر خود تبعید کرده و اموالشان را مصادره نموده بودند. با این تفسیر، معنای بخش اول روایت واقدی که جهاد با مشرکان بدر را بازستانیدن داد اسلام از سپاه کفر می‌شمارد به‌خوبی روشن و تأیید می‌شود اما بخش دوم آن با آیات قرآن ناسازگار است، چراکه به‌هیچ‌روی از معنای عبارت جنگ در راه خدا (قتال فی سبیل الله) که در این آیه آمده، معنای جنگ برای کسب غنیمت و تاراج اموال کاروان‌های قریش برداشت نمی‌شود؛ بنابراین با توجه به معنایی که از عبارت «قتال فی سبیل الله» در دیگر آیات قرآن کریم به دست می‌آید، می‌توان نتیجه گرفت که آیه ۱۳ سوره آل عمران تأکید دارد که در جنگ بدر که دو سپاه مسلمانان و قریش در برابر هم صف‌آرایی نمودند. آنکه در راه خدا می‌جنگید، انگیزه‌اش دفاع از عقیده و مال و جان خود در مقابل تجاوز کافران بود، نه دستبرد به کاروان تجاری و جمع‌آوری غنیمت و کسانی هم که در سپاه کفر شمشیر می‌زدند هدفی جز منع آزادی مسلمانان در التزام به دین اسلام و جلوگیری از گسترش آن نداشتند. در نتیجه، اینکه سیره‌نویسان عقیده دارند شروع‌کننده جنگ بدر، شخص پیامبر (ص) بود با فحوای کلام این آیه ناسازگار است، چراکه از آیه ۱۳ سوره آل عمران برداشت می‌شود که کسی که مورد تعرض قرار گرفته مسلمانان بودند، نه کفار قریش آن‌گونه که سیره‌نویسان گزارش داده‌اند.

۷- شبهه غنائم جنگ بدر

پیروزی مسلمانان در جنگ بدر، نفوذ مکه را تا حد زیادی کاهش داد و جایگاه سیاسی مسلمانان را در مدینه مستحکم کرد. در این جنگ بنا به گفته مورخان مسلمان، غنائم بسیاری

نصیب سپاه اسلام شد (طبری، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۹۵۰/ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ص ۴۱۰/ فارسی، ۱۳۶۲، صص ۹۸-۹۰). منابع سیره، غنائم بدر را شامل یکصد و پنجاه شتر و ده اسب و مقدار زیادی کالا، اسلحه، پوست دباغی شده و چرم برآورد کرده‌اند (واقدی، ۱۳۶۱، ج ۱، صص ۱۰۴-۱۰۲). مسلمانان در جنگ بدر، اموال بسیاری از دشمن به غنیمت گرفتند ولی در تقسیم آن میان خود اختلاف کردند. گروهی که مباشر جمع‌آوری آن بودند مدعی بودند که این‌ها از آن ماست و گروهی که به تعقیب دشمن رفته بودند می‌گفتند: اگر ما دشمن را تعقیب نمی‌کردیم شما نمی‌توانستید به آسودگی این اموال را به غنیمت بگیرید. سرانجام رسول خدا (ص) دستور داد همه آن غنائم را در یک جا جمع کردند و آن‌ها را به دست یکی از انصار به نام عبدالله بن کعب سپرد تا دستوری از جانب خدای تعالی در این باره برسد. در مسیر بازگشت به مدینه و در یکی از منزل‌ها به نام «سیر» آیه انفال نازل شد و کیفیت تقسیم آن روشن گردید و رسول خدا (ص) طبق دستور الهی آن‌ها را تقسیم کرد (همان، ص ۱۰۴). روایات مختلفی که در شأن نزول اولین آیه سوره انفال نقل شده، همگی بر این اختلاف دلالت دارند (هدایت پناه، بی‌تا، ج ۵، ص ۹۲).

آیات اول سوره انفال به بیان حکم این موضوع پرداخته است. در آیه اول این سوره برای اولین بار، قرآن از غنائم جنگی به «انفال» یاد کرده و در ابتدا، این غنائم را مخصوص خدا و رسولش قرار داده تا هرچه خواهند تصمیم گیرند و خطاب به مسلمانان تأکید می‌کند که اگر مؤمن حقیقی باشید، باید از خدا و رسولش اطاعت کنید. بدین ترتیب کسانی که در بخشی از این غنائم تصرف کرده بودند، موظف به بازگرداندن آن شدند (همان، ج ۵، ص ۹۹). در آیه ۴۱ سوره انفال حکم این انفال چنین بیان شده است: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقِيٍّ الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (انفال: ۸/ ۴۱). آیه مذکور گرچه صرفاً به تقسیم غنائم جنگی اختصاص ندارد اما نزول آن در سوره مورد نظر، مربوط به چگونگی تقسیم غنائم جنگ بدر از سوی پیامبر (ص) در میان مسلمانان است (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۳۳).

در اینجا دو سؤال مطرح است. سؤال اول اینکه اگر انگیزه جنگ بدر، غنائم کاروان قریش نبود چه توجیهی برای آن‌همه غنیمت که به دست سپاه اسلام افتاد وجود دارد؟ پاسخ این است که بر اساس آیات قرآن انگیزه اولیه جنگ بدر به‌هیچ‌روی تصرف کاروان تجاری قریش نبوده است اما مطابق معمول هر جنگ، غنیمت‌ها همواره از آن کسی است که پیروز جنگ باشد و

بنابراین با پیروزی سپاه اسلام این بخت و موقعیت نصیب مسلمانان گردید تا بخشی از زیان‌هایی را که مشرکان قریش در شهر مکه بدان‌ها تحمیل کرده بودند، به خواست خداوند جبران نمایند. به همین دلیل می‌توان گفت کسب غنائم جنگی در غزوه بدر نه انگیزه اولیه رویارویی با سپاه قریش بلکه یک امر ثانوی و نتیجه طبیعی پیروزی سپاه اسلام بوده است. سیره‌نویسان در نقل این رویداد به دلیل چشم‌پوشی از آیات قرآن کریم و اکتفا کردن به گزارش‌های متعدد دچار خطا گردیده، نتیجه را به جای مقدمه قرار داده و بدین جهت امر بر آن‌ها مشتبه گردیده است.

سؤال دوم این است که با توجه به اینکه سیره‌نویسان تاریخ پیامبر اکرم (ص)، همگی مسلمان بوده و بنا به ادعای خودشان خیرخواهانه به درج سیره پیامبر (ص) اقدام می‌نمودند، چه عاملی می‌تواند آن‌ها را در نقل این سیره تا بدین اندازه دچار خطا نماید؟ در پاسخ این سؤال هم باید گفت عده‌ای بر این باورند که اشتباه مورخان قدیم در قضاوت جنگ‌های پیامبر (ص) از اینجا پدید آمد که آن‌ها از اواخر قرن دوم به بعد، تاریخ زندگی پیامبر اکرم (ص) را به رشته تحریر درآورده‌اند و جنگ‌هایی که بعدها رخ داده در روح آن‌ها نفوذ کرده و آن‌ها را به مبارزات جهادگونه عصر پیامبر اضافه کرده و آن‌ها را از سنخ جنگ‌های پیامبر (ص) بشمار آورده‌اند (هیگل، ۱۳۷۵، ص ۳۴۷).

هر چند احمد بن حنبل، محدث قرن دوم بر این باور است که آنچه درباره سیره پیامبر (ص) در غزوات ذکر شده است، افسانه‌سرایی و غیرقابل‌اعتماد است (ابوزید، بی‌تا، ص ۱۶۳) اما منصفانه‌تر آن است که به علت فاصله بیش از یک قرن و نیم میان وقوع غزوات پیامبر اکرم (ص) و ثبت و گزارش آن به دست سیره‌نویسان، خطاهای پیش‌آمده را ناشی از ضعف حافظه، تفاوت برداشت و تنوع گزارش‌های گزارشگران اولیه این روایات بدانیم. باین حال در خوش‌بینانه‌ترین حالت هم نمی‌توان از تفاوت اغراض در نقل گزارش‌های تاریخی که به‌ظاهر، امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید چشم‌پوشید.

نتیجه‌گیری

هر چند سیره‌نویسان مسلمان، تصرف غنائم بی‌شمار کاروان قریش را انگیزه اصلی جنگ بدر می‌دانند اما آیات قرآن اذعان دارند که این غزوه با انگیزه دفاع در مقابل جنگ تبلیغاتی دشمنان، مقابله با دشمنان خدا و رسول گرامی اسلام و دفع فتنه مشرکان و جایگزینی کامل دین حق در عوض باطل به وقوع پیوست.

از نظر آیات قرآن کریم، جنگ بدر جهاد فی سبیل الله است چون هدف آن رسوایی منافقان سپاه اسلام، تثبیت چهره مسلمانان حقیقی و مخلص سپاه اسلام (در آغازین سال‌های شکل‌گیری حکومت اسلامی) و جهاد با کسانی است که مسلمانان را صرفاً به جهت اقرار به وحدانیت خداوند از سرزمین خود تبعید نمودند.

جنگ بدر نتیجه رفتار لجوجانه خود مشرکان بود که هم در سال‌های قبل از هجرت به اشکال گوناگون مسلمانان را مورد آزار قرار داده بودند و هم در شهر مدینه - پایتخت حکومت اسلامی - با به راه‌انداختن جنگ‌های تبلیغاتی سعی در تخریب عقاید تازه‌مسلمانان داشتند. آیات قرآن حاکی از آن است که برخلاف نظر سیره‌نویسان، انگیزه اولیه جنگ بدر به هیچ‌روی تصرف کاروان تجاری قریش نبوده اما به دلیل اینکه سپاه اسلام در این غزوه به خواست خداوند پیروز شد، غنائم هم از آن سپاهیان اسلام شد. بنابراین غنائم جنگی غزوه بدر نه انگیزه اولیه رویارویی با سپاه قریش بلکه امری ثانوی و نتیجه طبیعی پیروزی سپاه اسلام بر سپاهیان قریش بوده است. سیره‌نویسان در نقل این رویداد به دلیل چشم‌پوشی از آیات قرآن کریم و اکتفا کردن به گزارش‌های متعدد دچار خطا گردیده، نتیجه را به جای مقدمه قرار داده و بدین جهت امر بر آن‌ها مشتبه گردیده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم؛ ترجمه: حسین انصاریان، قم: انتشارات نشر آیین، ۱۳۸۷ ش.
۱. ابن اسحاق، محمد؛ *زندگانی محمد (ص)*؛ ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
 ۲. ابن خلدون، عبدالرحمن؛ *العبر*؛ ترجمه: عبدالحمید آیتی، تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ ش.
 ۳. ابن هشام، عبد الملک بن هشام؛ *زندگانی محمد (ص)*؛ ترجمه: سید هاشم رسولی، تهران: اسلامیة، ۱۳۶۶ ش.
 ۴. ابوزید، نصر حامد؛ *نوآوری، تاویل و تحریم*؛ ترجمه: مهدی خلجی، تهران: نشر توانا، بی تا.
 ۵. آرمسترانگ، کارن؛ *زندگی نامه پیامبر اسلام (ص)*؛ ترجمه: کیانوش حشمتی، تهران: حکمت، ۱۳۸۲ ش.
 ۶. آلوسی، محمود بن عبدالله؛ *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
 ۷. آیتی، عبدالمحمد؛ *ترجمه قرآن کریم*؛ تهران: سروش، ۱۳۷۴ ش.
 ۸. بابایی، احمدعلی؛ *برگزیده تفسیر نمونه*؛ تهران: دار الکتب الاسلامی، ۱۳۸۲ ش.
 ۹. جعفریان، رسول؛ *تاریخ سیاسی اسلام*؛ قم: نشر الهادی، ۱۳۷۷ ش.
 ۱۰. دروزه، محمد عزة؛ *التفسیر الحدیث*؛ قاهره: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۸۳ ق.
 ۱۱. رسولی محلاتی، هاشم؛ *زندگانی حضرت محمد (ص)*؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱ ش.
 ۱۲. زمخشری، محمود بن عمر؛ *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*؛ بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
 ۱۳. سبحانی، جعفر؛ *فروع ابدیت*؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
 ۱۴. شهیدی، سید جعفر؛ *تاریخ تحلیلی اسلام*؛ تهران: مرکز نشر دانشگاه، ۱۳۶۲ ش.
 ۱۵. شوکانی، محمد بن علی؛ *فتح القدر*؛ بیروت: دار الکتب العربیة، ۱۴۱۴ ق.
 ۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
 ۱۷. _____؛ *قرآن در اسلام*؛ تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۵۳ ش.
 ۱۸. طبرسی، فضل بن حسن؛ *تفسیر مجمع البیان*؛ ترجمه: مترجمان، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
 ۱۹. طبری، محمد بن جریر؛ *تاریخ طبری*؛ ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲ ش.
 ۲۰. _____؛ *جامع البیان*؛ بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
 ۲۱. طنطاوی، سید محمد؛ *التفسیر الوسیط*؛ قاهره: نهضة مصر، بی تا.
 ۲۲. طوسی، محمد بن حسن؛ *التبیان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
 ۲۳. فارسی، جلال الدین؛ *پیامبری و جهاد*؛ تهران: انتشارات شفق، ۱۳۶۲ ش.
 ۲۴. فخر رازی، محمد بن عمر؛ *مفاتیح الغیب*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
 ۲۵. قرشی، علی اکبر؛ *احسن الحدیث*؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش.
 ۲۶. قرطبی، محمد بن احمد؛ *جامع الاحکام*؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ق.
 ۲۷. قطب، سید؛ *فی ظلال القرآن*؛ بیروت: دار الشروق، ۱۴۱۲ ق.
 ۲۸. مغنیه، محمدجواد؛ *الکاشف*؛ تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۲۴ ق.

نقد قرآن محور نگاه سیره نویسان به غنیمت جویانه بودن جنگ بدر ۲۷۱

۲۹. وافدی، محمد بن عمر؛ *مغازی و اقلدی*؛ ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱ ش.
۳۰. هدایت پناه، محمدرضا؛ «غزوه بدر»؛ دائرة المعارف قرآن کریم، قم: مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲ ش.
۳۱. هیکل، محمد حسنین؛ *زندگانی محمد (ص)*؛ ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: سازمان تبلیغات، ۱۳۷۵ ش.